

«بسم نام خالق آرامش»

نام کتاب: گرامر برار مقالہ زبان (بضراول)

نام نویسندہ: سعید عنایت پور

تعداد صفحات: ۹۱ صفحہ

تاریخ انتشار: سال ۱۳۸۳



کافیٹیج بوکلی

CaffeineBookly.com



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گرامر برای مکالمه زبان

انگلیسی

سعید عنایت پور



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

8	1. مقدمه مؤلف
10	2. این جزوه برای چه کسانی مفید است؟
11	3. معرفی علائم خاص بکار رفته در جزوه
12	4. ساختار کامل جمله (مرور سریع و ساده گرامر اجزای یک جمله)

- فاعل
- ضمایر فاعلی
- فعل
- قید مکان
- قید زمان
- صفت ملکی
- مفعول
- ضمایر مفعولی
- صفات ملکی
- افعال کمکی (معین)
- حرف تعریف The
- دو فعلیها در جمله
- تفاوت **have to** و **must**

23	5. زمان حال ساده (حاضر ساده)
26	6. کلمات پرسشی یا استفهامی
30	7. زمان حال استمراری
33	8. زمان گذشته ساده
36	9. To Do
38	10. امری کردن فعل
42	11. زمان آینده ساده: Simple future tense
44	12. ربط دو جمله
47	13. دو کلمه tell & say
48	14. قیود زمان
50	15. حرف تعریف
53	16. ضمایر ملکی



54	17. حالت اضافی و یا مالکیت دو اسم :
55	18. ترجمه «از» به انگلیسی
58	19. « زمان آینده استمراری » Future Continuous Tense
61	20. تطابق زمانها: Sequence of tenses
62	21. «Used to»
66	22. « ضمیمه های سؤالی » Question tag
69	23. جلوگیری از تکرار اسم Avoid Repatition
71	24. جلوگیری از تکرار جمله The additions
73	25. در آینده CAN →
73	26. در آینده MUST →
74	27. در آینده WANT →
76	28. Some & any
78	29. ضمائر نیمه مجهول
82	30. دو ملکیتی ها
84	31. حالات ملکی: possessive forms
85	32. ربط دو جمله: Putting two sentences together
86	33. جملات دو سؤالی
87	34. Reflexive pronouns (self) ضمائر انعکاسی
89	35. Here & There
92	36. بحث « it »
94	37. صرف یک فعل در 16 زمان
95	38. « حروف اضافه مکان »
100	39. حال کامل (ماضی نقلی) :
106	40. « ماضی بعید » (گذشته کامل)
108	41. آینده کامل استمراری
109	42. گذشته کامل استمراری
111	43. صفت adjective
115	44. The same as
118	45. قید adverb
123	46. کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار هستند: intensifiers (very, too, enough)
127	47. Such
129	48. گسترش جمله با too و enough
130	49. «دیگر» «Other»
136	50. ضمائر موصولی Relative Pronouns



- 141 51. جملات گذشته حدسی و گذشته غیر واقعی
- 145 52. آینده کامل
- 146 Conditionals 53. جملات شرطی
- 149 54. « Otherwise » والا
- 150 55. « Wish » کاشکی - ای کاش
- 151 56. کلمات معادل if
- 151 57. « It is time » وقتش است که
- 152 58. حذف IF
- 153 59. Unless
- 154 60. Would rather
- 156 61. as if – as though
- 157 62. « in Case » (مبادا نکنه)
- 158 63. Both
- 159 64. active & passive voice : حالت معلوم و مجهول
- صفت فاعلی
 - صفت مفعولی
 - مصدر مجهول
 - طریقه تبدیل یک جمله معلوم به مجهول
 - زمان هایی که قابل تبدیل به مجهول هستند
 - تبدیل یک جمله سئوالی معلوم به سئوالی مجهول
 - تبدیل یک جمله سئوالی معلوم که با کلمه پرسشی شروع شده باشد به مجهول
 - جای قیدها در جملات مجهول :
 - مجهول کردن جملاتی که دارای دو مفعول هستند.
 - مجهول کردن جمله هایی که فعل حسی و حرکتی دارند.
 - مجهول کردن فعل امر
- 170 65. جملات سببی یا وجه سببی :
- 171 66. مجهول جملات سببی
- 172 67. reported speech نقل قول
- 173 68. Indirect speech نقل قول غیر مستقیم
- تبدیل یک نقل قول مستقیم خبری به غیر مستقیم .
 - فعل گزارشگر در نقل قول خبری
 - تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی به غیر مستقیم
 - طریقه تبدیل نقل قول مستقیم سئوالی که با کلمه پرسشی شروع نشده به غیر مستقیم:
 - طریقه تبدیل یک نقل قول مستقیم سئوالی مثل جمله زیر به صورت غیر مستقیم.
 - تبدیل نقل قول مستقیم امری به غیر مستقیم :



• تغییر اصطلاحات زمان و مکان در نقل قول غیر مستقیم :

• طریقه تبدیل نقل قول مستقیم تعجبی به غیر مستقیم :

181 69. اسم مصدر (gerund)

184 70. فعلهایی که می توان بعد از آنها اسم مصدر به کار برد و هم مصدر با to



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مقدمه مؤلف :

با پیشرفت سریع علم و تکنولوژی و از آنجا که در حال حاضر قسمت بسیار زیادی از کتابها و نشریات علمی و مطالب روی اینترنت به زبان انگلیسی تهیه میشوند و با توجه به نیاز غیر قابل انکار دانش آموزان، دانشجویان و محققین به زبان انگلیسی، یادگیری این زبان در بین زبانهای خارجی امری بدیهی و اجتناب ناپذیر می باشد. حتی اگر یادگیری کامل این زبان غیر ممکن باشد بسته به سطح نیاز، هر شخص میتواند تا حد لازم آنرا یاد بگیرد. به قول معروف، آب دریا را اگر نتوان کشید، هم بقدر تشنگی باید چشید.

اولین گام در جهت آموزش زبان، یادگیری گرامر میباشد. خوشبختانه کتابهای بیشماری در زمینه زبان انگلیسی و سایر زبانها در کشورما وجود دارد. نکته شایان ذکر در مورد این جزوه اینست که مطالب از سطح بسیار ساده شروع شده و گرامر تا سطح بالایی آموزش داده میشود لذا برای افراد مبتدی بسیار مناسب بوده و افرادی که قبلا انگلیسی را به خوبی آموزش دیده اند میتوانند از این مطالب به عنوان یک مجموعه کامل گرد آوری شده جهت مرور آنچه از قبل میدانند استفاده کنند. وجه تمایز این جزوه با سایر جزوات گرامر موجود اینست که روند کار به نحوی طراحی شده که در انتها، خواننده مبتدی به آسانی انگلیسی را مکالمه کند و خواننده قویتر بهبود چشمگیری در مکالمه خود احساس نماید.

تفاوت دیگری که خواننده در حین مطالعه این جزوه درخواهد یافت اینست که، به عنوان مثال آموزش زمانها که غالبا کار مشکلی میباشد در این جزوه به نحوی ارائه شده است که در چند مرحله در جاهای مختلف بیان شده تا باعث خستگی خواننده نشود. لذا دروسی مثل زمانها یا درس قید، نه به طور تکراری بلکه با روندی پیشرفتی در چند مرحله در طول جزوه بیان شده اند.

ساختار اصلی جزوه از موارد آموزش داده شده در آموزشگاههای زبان تهران گرفته شده است و در طول سالیان متمادی به آن توسط مؤلف اضافه شده است و اصلاحاتی توسط دوستان در آن انجام شده است. لازم به ذکر است، از آنجا که هیچ اثر انتشاراتی یا علمی بدون اشتباه نمی باشد در این جزوه هم ممکن است مواردی از اشتباه به چشم بخورد که مؤلف از خوانندگان محترم استدعا دارد که این موارد را به همراه نظرات ارزشمندتان به اطلاع وی برسانید.

در آخر از پدر عزیزم که تلاش فراوانی برای نهادن سنگ بنای آموزش زبان و فراهم آوری امکان یادگیری زبان انگلیسی و مادر عزیزم بخاطر ایجاد انگیزه و شوق در یادگیری زبان تشکر فراوان می نمایم.

از همسر گرانقدرم که چند سالی را در آموزش زبان خارجی صرف نموده و در اصلاح بسیاری از موارد این جزوه و ارائه نکات بسیار مهمی در مورد نحوه ارائه مطالب کمک نمود کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

دوست گرانقدرم آقای مهندس نادر فنائی که تجربه زیادی در زمینه تدریس و نشر کتاب داشته و خود، مؤلف چندین کتاب در زمینه مهندسی عمران می باشد در تایپ و تهیه و ارائه مطالب متقبل زحمات فراوانی شد. بدون اغراق بدون قبول این کار داوطلبانه توسط وی ارائه این اثر هرگز مقدور نبود.

همچنین از استاد ارجمندم جناب آقای رضا وحدانی که از بهترین اساتید زبان انگلیسی اینجانب در سالهای گذشته می باشند و مهمترین عنصر یادگیری یعنی عشق و علاقه به یادگیری را به همه دانش آموزان از جمله من آموزش داده است نهایت تشکر را دارم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

این جزوه برای چه کسانی مفید است؟

موارد این جزوه برای گروههای زیر مفید می باشد.

دانش آموزان دوره راهنمایی، دبیرستان، داوطلبین کنکور سراسری، داوطلبینی که قصد امتحان TOEFL, MCHE, IELTS یا سایر امتحانات مشابه را دارند، افرادی که قصد مصاحبه دارند و در نهایت فارسی زبانانی که نیاز به مکالمه زبان انگلیسی به شکل صحیح دارند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

معرفی علائم خاص بکار رفته در جزوه:

نکات کمی پیشرفته تر: برای افرادی که قصد یاد گیری این نکات را دارند مثلاً داوطلبینی که قصد امتحان IELTS, TOEFL یا سایر امتحانات مشابه را دارند. یاد گیری این نکات به داوطلبین کنکور سراسری توصیه نمیشود. این نکات در داخل کادر رنگی نوشته شده اند.

نکات کمی پیشرفته تر: برای افرادی که قصد یاد گیری این نکات را دارند مثلاً داوطلبینی که قصد امتحان IELTS, TOEFL یا سایر امتحانات مشابه را دارند. یاد گیری این نکات به داوطلبین کنکور سراسری توصیه نمیشود. این نکات در داخل کادر رنگی نوشته شده اند.



تمرین جهت یادگیری بیشتر: پس از اکثر درسها

جملات فارسی جهت ترجمه آورده شده است که

تمرین بسیار خوبی جهت یادگیری درس میباشد.

نکاتی که نیاز به تمرین و تکرار شفاهی دارند:

بدون شک همه موارد آموزشی نیاز به تمرین جهت

یادگیری دارند. در این جزوه مواردی که نیاز به تکرار

بیشتری دارند با این علامت معرفی شده اند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بنام خدا

تعریف جمله: جمله در زبان انگلیسی به یک فرمول نوشته می شود آنهم به فرمول زیر

قید زمان + قید مکان + مفعول + فعل + فاعل

تعریف فاعل: کننده کار را فاعل می گویند که فاعل می تواند به صورت ضمیر یا اسم بکار رود، مثل علی آمد، که

میتوانیم بنویسیم او آمد. او ضمیر فاعلی است.

ضمایر فاعلی عبارتند از:

مفرد	جمع
<i>I</i> → من	<i>we</i> → ما
<i>you</i> → تو	<i>you</i> → شما
<i>he</i> → او	<i>they</i> → آنها
<i>she</i> → او	
<i>it</i> → آن	

تعریف فعل: کاری را که فاعل انجام میدهد. برای تبدیل فعل به مصدر در زبان فارسی (ن) در آخر فعل به کار

می رود. معادل با (ن) در فارسی، در انگلیسی *to* به کار می رود.

to ⇒ ن → مصدر → فعل

to see ⇒ *I see*

You see

They see



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قید مکان: محل انجام گرفتن فعل را قید مکان گویند.

در خانه at home در کلاس in the class اینجا here در مدرسه at school آنجا there

قید زمان: زمان انجام گرفتن فعل را قید زمان گویند.

یک روز در میان every other day دیروز yesterday هر روز every day امروز today
روزهای فرد on odd days روزهای زوج on even days

صفت ملکی: صفاتی هستند که همراه اسم می آیند و بدون اسم معنی ندارند و مالکیت را می رسانند. در زبان

فارسی صفت بعد از اسم می آید ولی در زبان انگلیسی صفت قبل از اسم می آید.

خواص صفت در انگلیسی:

1- قبل از اسم می آیند

2- اسم را محدود می کنند

3- با اسم بعد از خودش هیچگونه موافقتی ندارد بجز صفت‌های **this** و **that** که بسته به اسم بعد، جمع یا مفرد

خواهند شد:

this → *these*

this book → ^{PL}*these books*

that → *those*

that car → ^{PL}*those cars*

مفعول: مفعول کسی یا چیزی است که فاعل بر روی آن کاری را انجام می دهد.

مثال: Hassan saw **Ali**. حسن علی را دید.

Hassan saw **him**. حسن او را دید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضمایر مفعولی عبارتند از:

مفرد	جمع
me به من - مرا	us به ما - ما را
you به تو - تو را	You به شما - شما را
him به او - او را	them به آنها - آنها را
her به او - او را (زن)	
it به آن - آنرا	

صفات ملکی عبارتند از:

مفرد	جمع
my مال من	our مال ما
your مال تو	your مال تو
his مال او	their مال آنها
her مال او	
its مال آن	

افعال کمکی (معین): افعالی هستند که بین فاعل و فعل اصلی می آید و بعد از آنها to نمی آید به جز در

used to و ought to

مثال: ممکن بودن may باید should باید must توانستن can



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

خاصیت های افعال کمکی:

1- بین فاعل و فعل اصلی می آیند

2- با جایجا شدن، باعث تغییرات در جمله می شوند یعنی افعال کمکی با رفتن به اول جمله، جمله را

سوالی می کنند در زبان فارسی برای سوالی کردن جمله سه علامت (آیا - مگر - لحن) را به اول جمله

می برند و جلوی جمله علامت سوال می گذارند ولی در انگلیسی برای سوالی کردن افعال کمی را به

اول جمله می برند اگر جمله فعل کمکی نداشت از فعل کمکی do و does استفاده می کنیم.

	سوالی در انگلیسی	سوالی در فارسی
I can go من می تونم برم	Can you go?	آیا مگر لحن میتوانی بروی؟
	Can you?	
	You can?	

تذکر: همیشه I و we به you تبدیل می شوند مثال: $I \text{ am} \rightarrow \text{are you} ?$

3- در زبان فارسی اگر بخواهیم جمله ای را منفی کنیم به آن (ن) اضافه می کنیم ولی در زبان انگلیسی برای منفی

کردن به افعال کمی، (not) اضافه می کنیم و بهتر است آنها را به شکل مخفف بنویسیم.

تذکر مهم: اشکال **am not** و **may not** مخفف نمی شوند.

$Can \text{ not} \rightarrow Can't$

$will \text{ not} \rightarrow won't$

$must \text{ not} \rightarrow mustn't$

$Shall \text{ not} \rightarrow Shan't$

$is \text{ not} \rightarrow isn't$

$are \text{ not} \rightarrow aren't$



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

am not → am not

may not → may not

4- سئوالی منفی کردن افعال کمکی:

روش اول: افعال کمکی مخفف شده را به اول جمله می بریم.

روش دوم: اگر فعل کمکی not مخفف نشده باشد فعل کمکی را به اول جمله برده و not را هم سر جایش قرار

می دهیم.

You can't go → can't you go?

You can not go → can you not go?

آیا
مگر
لحن
نمی‌توانی بروی؟

جدول افعال کمکی:

افعال کمکی	معنی	مشتقات	معنی
To be(am-is-are)	بودن	was-were	بودن
Have	داشتن	Has-had	-
Do	انجام دادن	Does-did	-
could	توانستن	can	توانستن
Shall	علامت آینده	Should	علامت آینده
Will	علامت آینده	Would	علامت آینده
May	ممکن بودن	Might	ممکن بودن
Must	باید	Had to	باید
ought to	باید		



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Used to	سابقاً
need	احتیاج داشتن
Dare	جرأت داشتن
Would rather	ترجیح دادن
Had better	بهبتره

The

حرف تعریف بوده و دارای سه معنی است، (را - که - کسره)

I eat apple.

I eat **the** apple.

I eat **the** apple which is red.

در جمله اول " من سیب می خورم"، سیب نا مشخصی خورده میشود. در جمله دوم " من سیب را می خورم"، سیب مشخص می شود یا به عبارتی تعریف می شود. در جمله سوم " من سیب قرمز را می خورم یا من سیبی را که قرمز است، می خورم"، سیب مشخص تر می شود یا به عبارتی، دقیقتر تعریف می شود.

دو مصدر استثنایی : در انگلیسی دو مصدر داریم که استثنائی هستند یعنی با فاعلهای مختلف به شکلهای گوناگون در می آیند اگر پس از صرف کردن، در داخل این جملات افعال کمکی بکار ببریم به مادر خود بر می گردند یعنی **am-is-are** به **be** بر می گردد دومین مصدر **to have** است که با فاعلهای مختلف در بعضی جاها به شکلهای دیگر در می آید و اگر در آنها افعال کمکی بکار ببریم به شکل مادر خود بر می گردند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

I have → I can have
you have → you can have
They have → They can have
We have → we can have
She has → she can have

I am → I must be
You are → You can be
He is → he must be

Have
→ to have
Has

Am
Is → Be
are



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- نمیتوانی به من هر روز اینجا کمک کنی؟
- 2- آیا نباید به ما ساعت 2 یک روز در میان در اینجا درس بدهی؟
- 3- آیا من بد اخلاق نیستم؟
- 4- آیا آنها درس نمی خوانند هر روز اینجا؟
- 5- آیا تو هر روز به معلم گوش نمی دهی؟
- 6- من میتونم مؤدب باشم توی کلاس؟
- 7- پدرم باید در خانه مهربان باشد.
- 8- خواهرهایم ممکن است تنبل باشند.
- 9- والدینشان میتوانند اینجا باشند.
- 10- پدرم میتواند نهار بخورد.
- 11- او ممکن است یک ماشین داشته باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پاسخ :

1. Can't you help me here every day?
2. Mustn't you teach us here every other day at 2 o'clock?
3. Am I not bad tempered?
4. Don't they study here every day?
5. Don't you listen to the teacher every day?
6. Can I be polite in class?
7. My father must be kind at home.
8. My sisters may be lazy.
9. Their parents can be here.
10. My father can have lunch.
11. He may have a car

بسیار مهم

"دو فعلیها در جمله و طرز بکار بردن دو فعلیها در جمله":

- 1- اگر در جمله دو فعل اصلی بیاید بین دو فعل اصلی علامت (to) بکار می بریم و
- 2- اگر در جمله یک فعل کمکی و یک فعل اصلی بیاید to لازم نیست بجز دو فعل (سابقاً : used to). اگر فعلهای ما از مصدر To be باشد یعنی (am-is-are) و یا از مصدر To have یعنی has و have وقتی که در جمله افعال قصدی را بکار می بریم (am-is-are و have-has) به مادر خود یعنی به (have , be) تبدیل می شوند.

افعال قصدی عبارتند از:

want	خواستن	pretend	وانمود کردن
like	دوست داشتن	refuse	امتناع کردن
would like	مایل بودن	plan	قصد داشتن
hope	امیدوار بودن	decide	تصمیم گرفتن
wish	آرزو داشتن	intend	قصد داشتن



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

try	سعی کردن	be going to	قصد داشتن
promise	قول دادن	hate	متنفر بودن
prefer	ترجیح دادن	dislike	متنفر بودن

تفاوت must و have to :

I **must** go (تاکید زیاد) من حتماً باید بروم
 I **have to** go من مجبورم بروم

$$\left. \begin{array}{l} must \\ have\ to \\ has\ to \end{array} \right\} \text{(باید - مجبور بودن)}$$

تذکر: با توجه به مطلب فوق گذشته فعل must , had to میباشد.

تذکر: اگر بعد از have , has اسم بیاید معنی داشتن و خوردن دارد.

I will **have** my lunch. من ناهارم را خواهم خورد.
 She **has** a book. او یک کتاب دارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} have \\ has \end{array} \right. + \text{اسم} \rightarrow \text{داشتن و خوردن}$$

تذکر: اگر بعد از have , has (to) بیاید معنی مجبور بودن را دارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} have \\ has \end{array} \right. + \text{to} \rightarrow \text{مجبور بودن}$$



تمرین جملات فارسی:

الف) جمله مثبت، سئوالی، منفی و منفی سئوالی جملات زیر را بنویسید؟

- 1- آنها می خواهند به معلم گوش بدهند هر روز.
- 2- من باید انگلیسی صحبت کنم هر روز.
- 3- شما می خواهید مؤدب باشید اینجا.
- 4- او دوست دارد یک ماشین داشته باشد.
- 5- ما تصمیم داریم امسال زرنگ باشیم.

پاسخ:

1. They want to listen to the teacher every day.
 - Do they want to listen to the teacher every day?
 - They don't want to listen to teacher every day.
 - Don't they want to listen to teacher every day?
2. I must speak English every day.
3. You want to be polite here.
4. He likes to have a car.
5. We decide to be clever this year.

ب) جملات زیر را توسط فعل داخل پرانتز اصلاح نمائید.

1. They Study engineering (Plan: قصد داشتن)
2. Most students succeed (want)
3. We understand the lesson. (Pretend: وانمود کردن)
4. I work hard. (Promise)
5. Most of the people fact/tell the truth. (refuse)
6. You are very successful. (can)
7. They practice sentence patterns (must)
8. Many students ask questions (may)
9. We are polite. (Ought to)
10. I dine with you. (would like)
11. We play football. (prefer)



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

پاسخ :

1. They Plan to Study engineering
2. Most students want to succeed.
3. We pretend to understand the lesson.
4. I promise to work hard.
5. Most of the people refuse to fact/tell the truth.
6. You can be very successful.
7. They must practice sentence patterns.

8. Many students may ask questions.
May they not ask questions? } سنوالى
May not they ask questions? } منفى

9. We ought to be polite.

سنوالى → Ought you to be polite? Are you ought to polite?

منفى → You ought not to be polite. You aren't ought to polite.

منفى سنوالى → Ought you not to be polite? aren't you ought to polite?

10. I would like to dine with you.

11. We prefer to play football.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Simple Present Tense (زمان حال ساده (حاضر ساده)

زمان حال ساده: کاری است که به صورت عادت و تکرار انجام می شود.

طرز ساخت: اگر to ی مصدری را برداریم و به جای آن فاعل بگذاریم فعلی که به دست می آید زمان حال ساده یا حاضر ساده است. در سوم شخص یعنی (it-she-he) به آخر فعل (ies-es-s) اضافه می شود .

نشانه های حال ساده :

1- وجود s در سوم شخص مفرد در آخر فعل مثل :

He works/she eats/it runs

2- وجود es در آخر فعل در سوم شخص مفرد

تذکر: افعالی که به Z,O,X,ch,sh,s ختم می شوند در سوم شخص مفرد es می گیرند مثل:

Washes/buzzes/watches/fixes/misses/mixes

3- افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حرف صدادار "a,e,I,o,u" داشته باشد در سوم شخص فقط s

می گیرد.

play → سوم شخص مفرد → Plays

افعالی که به y ختم می شوند اگر قبل از y حرف صدادار نداشته باشد در سوم شخص لا را برمی داریم و به جای

آن در سوم شخص مفرد i و سپس es می گذاریم .

Carry → carries

Study → studies



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly

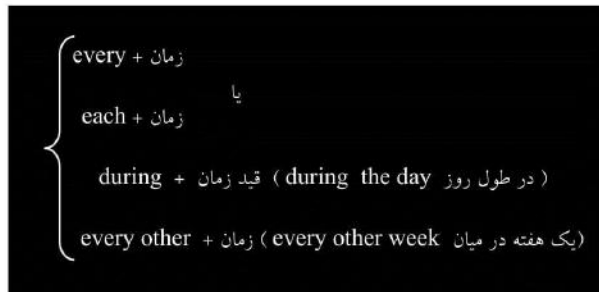


caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

4- وجود قیود زمان مثل :



5- وجود قید تکرار مثل :

ever – never – always – usually – often – sometimes

They never play golf.

6- با حقایق دنیا و یا چیزهایی که قبلاً اثبات شده است، جمله زمان حاضر ساده است.

The sun sets in the west. خورشید در غرب، غروب می کند .

تذکر مهم : تغییرات در حاضر ساده یا حال با دو فعل کمکی do, does انجام می شود.

بسیار مهم : does (s پران-es پران-ies پران است و doesn't هم همین طور)

تکراری از قبل : قیود مکان همیشه قبل از قیود زمان می آیند.

He goes to school every day.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- او به مدرسه می رود هر روز
- 2- معلم کمک می کند به ما در کلاس ساعت 2 روزهای زوج
- 3- پدرم درس می خواند در خانه روزهای فرد
- 4- پدرش می خواهد کمک کند به آنها اینجا هر روز

پاسخ:

1. He goes to school every day.
2. The teacher helps us in the class at 2 o'clock on odd days.
3. My father studies at home on even days.
4. His father wants to help them here every day



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Question Words.

کلمات پرسشی یا استفهامی.

- 1- اگر فاعل مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **who** چه کسی
- 2- اگر مفعول مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **whom** کی را، چه کسی را
- 3- اگر فاعل و مفعول ما غیر شخصی باشند از کلمه پرسشی: **what** چه چیز
- 4- اگر قید مکان مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی: **where** کجا
- 5- اگر قید زمان مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **when** چه وقت- کی
- 6- اگر تعداد مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how many** چه تعداد
- 7- اگر مقدار مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how much** چه مقدار
- 8- اگر حالت و چگونگی مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how** چگونه
- 9- اگر وقت و رأس ساعت مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **what time** چه ساعت
- 10- اگر مدت و زمان مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how long** چه مدت
- 11- اگر دفعه و بار مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how often** چند دفعه
- 12- اگر صفات ملکی مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **whose + اسم** برای چه کسی است
- 13- اگر **an, a** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی.
- 14- اگر **the** + صفت و یا اسم **that ,this ,those ,these** مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **which** کدام.
- 15- اگر حالت و دلیل مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **why** چرا
- 16- اگر سن مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how old** چند ساله
- 17- اگر مسافت مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how far** چه مسافتی
- 18- اگر قد و اندازه مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how tall** چه قد و اندازه ای
- 19- اگر سرعت مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **how fast** چه سرعتی
- 20- اگر رنگ چیزی مورد سوال قرار گیرد از کلمه پرسشی **what color** چه رنگی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کلمات پرسشی دارای سه قانون هستند: (wh questions)

قانون 1- به اول جمله می آید . جمله را سوالی می کنند و حتماً بعد از آن افعال کمکی می آید :

Where
When
How
Why
What time
How often
How fast

} + **do** you work?

I can answer → Can you answer?
Why can you answer?
When can you answer?
How fast can you answer?

قانون 2- اگر کلمات پرسشی وسط جمله بیایند جمله را از حالت سوالی خارج می کنند یعنی بعد از کلمه پرسشی فاعل می آید.

Where do you go? → I know **where** you go من میدونم کجا می ری

Why don't they study? → I know **why** they don't study
من می دونم چرا آنها مطالعه نمی کنند

I am sure **why** he is happy من مطمئنم که چرا او خوشحال است

قانون 3- کلمات استفهامی می توانند به جای سوم شخص بنشینند و مثل سوم شخص مفرد عمل کنند یعنی به آخر فعل s و یا es و ies اضافه شود .

He works او کار می کند

Who works? چه کسی کار میکند ؟

Whose brother works? برادر کی کار می کند ؟



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Which teacher works?

کدام معلم کار می کند؟

What kind of student works?

چه نوع دانش آموزی کار می کند؟



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- من میدونم کجا فوتبال بازی میکنی هر روز ساعت 2 :
- 2- من نمی دونم چرا شاگردها درس نمی خوانند در مدرسه
- 3- من مطمئنم چرا آنها خسته هستند
- 4- آیا می دونی برادر کی می خواد صحبت کند انگلیسی ؟
- 5- من مطمئن نیستم چرا آنها تنبل هستند در کلاس.

پاسخ:

1. I know where you play football every day at 2 o'clock.
2. I don't know why the students don't study at school.
3. I am sure why they are tired.
4. Do you know whose brother wants to speak English?
5. I am not sure why they are lazy in class.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جملات از نوع **have to**



تمرین جملات فارسی (جملات از نوع **have to**) :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 6- آنها مجبورند انگلیسی صحبت کنند در کلاس
- 7- پسر مجبوره مؤدب باشه در کلاس هر روز
- 8- دخترها مجبورند اینجا باشند روزهای فرد
- 9- او مجبوره فوتبال بازی کنه یک روز در میان
- 10- علی مجبوره خوشحال باشه در کلاس

پاسخ:

- | | |
|---|------------|
| 6. They have to speak English in class. | |
| 7. The boy has to be polite in class every day. | |
| Does the boy have to be polite in class every day? | سؤالی |
| The boy doesn't have to be polite in class every day. | منفی |
| 8. The girls have to be here on even days. | |
| Do the girls have to be here on even days? | سؤالی |
| 9. He has to play football every other day. | مثبت |
| Does he have to play football every other day? | سوالی |
| He doesn't have to play football every other day. | منفی |
| Doesn't he have to play football every other day? | سوالی منفی |
| 10. Ali has to be happy in class | |
| Does Ali have to be happy in class? | سوالی |



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آینده کامل استمراری

تعریف: زمان آینده کامل استمراری دلالت بر انجام عملی می کند که از یک زمانی شروع شده و تا آینده به طور استمرار انجام گیرد.

طرز ساخت در زبان فارسی: اگر (تا + قید زمان آینده) را به همراه (طول مدت زمان + است) را به جملات زمان حال استمراری اضافه کنیم زمان آینده کامل استمراری بدست می آید. طبق فرمول زیر:

(by) تا + قید زمان آینده + طول مدت زمان + (For) است + زمان حال استمراری ← آینده کامل استمراری

طرز ساخت در زبان انگلیسی: برای ساختن زمان آینده کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کرد.

قید زمان آینده + by + طول مدت زمان + will have been + verb + ing+ for + زمان

مثال: تا ساعت 8 دو ساعت است داریم درس می خوانیم .

We will have been studying for two hours by eight o'clock.

مثال: تا ماه آینده 10 سال است که داریم در تهران زندگی می کنیم .

We will have been living in tehran for ten years by next month.

تغییرات: کلیه تغییرات در زمان آینده کامل استمراری به عهده فعل کمکی Will می باشد.

نشانه ها: نشانه این زمان عبارتست از:

By + قید زمان آینده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گذشته کامل استمراری

تعریف: این زمان دلالت بر انجام عملی می کند که از یک گذشته ای شروع و تا گذشته دیگر به صورت استمرار انجام گرفته باشد.

طرز ساختن در زبان فارسی: اگر طول مدت زمان به همراه کلمه "بود" را به جملات گذشته استمراری اضافه کنیم زمان گذشته کامل استمراری به دست می آید.

طول مدت زمان + (For) بود + گذشته استمراری ← گذشته کامل استمراری

طرز ساختن در زبان انگلیسی: برای ساختن زمان گذشته کامل استمراری در زبان انگلیسی باید از فرمول زیر استفاده کنیم.

فاعل + before/when + طول مدت زمان + **had been + verb + ing + for**

فعل گذشته ساده +

مثال:

1- وقتی که تو او مدی نیم ساعت بود که داشتم درس می دادم.

I **had been teaching** for half an hour when you came.

2- قبل از اینکه تو تلفن بزنی دو ساعت بود داشتم آشپزی می کردم.

I **had been doing** the cooking for two hours before you called.

تغییرات: کلیه تغییرات در زمان گذشته کامل استمراری به عهده فعل کمکی **had** می باشد.

نشانه های این زمان: نشانه های این زمان می تواند **before, when** باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



talkative : پر حرف

crowded : شلوغ

intelligent : با هوش

taciturn : کم حرف

ugly : زشت

rich : ثروتمند

considerable : چشمگیر - قابل ملاحظه



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

صفت adjective

صفت حالت و چگونگی اسم را توصیف می کند و در فارسی معمولاً بعد از اسم و در انگلیسی معمولاً قبل از اسم به کار می رود. مثلاً:

careful student . دانش آموز دقیق

صفت می تواند به صورت یک یا دو یا چند کلمه قبل از اسم قرار گیرد، مثلاً

my new green book. کتاب سبز جدیدم

نکته: اگر صفت به بعد از اسم انتقال یابد و منتقل شود باید بلافاصله فعلهای ربطی زیر به کار رود.

صفت + to be + اسم

صفت + to get + اسم

صفت + to turn + اسم

صفت + to become + اسم

صفت + to grow + اسم

صفت + to make + اسم

این افعال که به معنی (بودن - شدن - گشتن - گردیدن) هستند جنبه فعل ربط دارند که به آنها link

verb می گویند که ربط یک صفت را به یک اسم می دهد مثل:

My father grew angry .

In spring the leaves turn green . در بهار برگها سبز می شوند.

Today the weather got cold . امروز هوا سرد شد.

تذکر: البته فعلهای ربطی دیگر نیز وجود دارد که به معنی (به نظر رسیدن هستند) .

Seem / Appear/ Look/ Sound/ Taste / Smell / Feel + صفت



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تذکر: باید دانست که بعد از فعل های ربطی هیچگاه قید به کار نمی رود مثلاً:

he looks (~~angrily~~) angry. او عصبانی به نظر می رسد .

the soup tastes (~~unusually~~) unusual. سوپ غیر طبیعی به نظر می رسد.

صفت به صورت جمع به کار نمی رود تنها دو صفت اشاره **this, that** با اسم بعد از خود در مفرد و جمع

مطابقت می کند.

مثال:

This book → These books .

That book → Those books .

درجه صفات : صفات از نظر مقایسه دارای سه درجه مقایسه هستند . به شرح زیر :

1- درجه مطلق یا برابر : دو اسم را مقایسه می کنند و آنها را برابری شناسند مثلاً:

Helen is as tall as Susan. هلن هم قد سوزان است .

ساختمان این درجه از مقایسه بدین شرح است :

as صفت as
not so صفت as

Hellen is **as tall as** Susan.

Hellen is **not so tall as** Susan.

2-درجه برتر یا (تفضیلی) : دو اسم را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر معرفی می کند.

مثلاً : علی از مهران بلند قدتر است .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کلمه از ترجمه می شود به (**than**) و برای ترجمه تر قاعده این است که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان er اضافه می شود مثلاً:

Hellen is taller **than** Susan.

اما کلیه صفت‌هایی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان (**more**) اضافه می شود.

مثلاً: My book is **more interesting than** yours .

برای صفت‌های دو بخشی بعداً تبصره خواهیم داشت.

3- صفات عالی یا درجه برترین : چند اسم را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا برترین معرفی می کند مثلاً: هلن بلند قدترین دانش آموز کلاس است .

چون در این درجه اسم مشخص و معرفی می شود کاربرد حرف تعریف **the** ضروری است و برای ترجمه پسوند (ترین) قاعده اینست که کلیه صفات یک بخشی به آخرشان **est** اضافه می شود مثلاً:

Hellen is **the tallest** student in the class .

و کلیه صفاتی که شامل سه بخش به بالا هستند قبلشان **most** به کار می رود مثلاً

My book is **the most interesting** book in the library.

تبصره : بین صفات دو بخشی آنهاییکه به حرف y ختم می شوند در تفضیلی er در عالی est می گیرند .

happy → happier than → the happiest

busy → busier than → the busiest

اما صفات دو بخشی که آخرشان به y ختم نمی شود در تفضیلی **more** و در عالی **most** قبلشان اضافه می شود.

Active / **more active than** / **the most active**

Comic / **more comic than** / **the most comic**

صفات بی قاعده: چند صفت زیر در تفضیلی و عالی از قواعدی که تا کنون ذکر شد پیروی نمی کنند و بلکه

شکل خاص خود را دارند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

مطلق	تفضیلی	عالی
good – well	better than	the best
bad - ill	worse than	the worst
much many	More than	the most
Little	Less than	the least
old → برای اعضای خانواده → فرد – شخص	elder ----- older than	the eldest the oldest
far → فاصله → مقدار	{ Farther than { Further than	{ the farthest { the furthest



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

The same as

same : برای نشان دادن هماهنگی و یکسانی همیشه بعد از حرف تعریف the به کار می رود و معنی (

همان - یک) می دهد مثلاً :

Hellen and Jane live in the same street.

هلن و جین در یک خیابان زندگی می کنند .

نکته گرامری : در بعضی از کتابهای گرامری صفاتی را که آخرشان به (er , re , le , ow) ختم می شوند را نیز مثل صفت‌های دو بخشی که آخرشان به y ختم می شود در تفضیلی و عالی er و est می دهد. اما همان کتابهای گرامری بلافاصله ذکر می کنند که چنین صفاتی را می توان با more , most هم تفضیلی و عالی کرد.

مطلق	تفضیلی	عالی
narrow	more narrow than	the most narrow
narrow	narrower than	the narrowest
simple	more simple than	the most simple
simple	simpler than	the simplest
clever	more clever than	the most clever
clever	cleverer than	the cleverest
obscure	more obscure than	the most obscure
obscure	obscurer than	the obscurest

قواعد املائی مربوط به صفت :

1- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف y ختم می شوند مثل happy هنگام اضافه شدن er, est حرف y

تبدیل به حرف i می شود.

happy → happier than → the happiest



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

2- در صفت‌هایی که آخرشان به حرف e ختم می‌شود مثل wide در تفضیلی و عالی فقط st , r اضافه می‌شود.

Wide → wider than → the widest

3- در صفت‌هاییکه یک بخشی هستند و آخرشان به حرف بی صدا ختم می‌شود به شرط آنکه قبل از آن بی صدا فقط یک صدادار وجود داشته باشد مثل big هنگام اضافه شدن پسوندهای er و est حرف بی صدای آخر تکرار می‌شود.

Big → bigger than → the biggest



crowded	شلوغ	a pair of shoes	یک جفت کفش
busy	گرفتار - مشغول	trousers	شلوار
noisy	پر سرو صدا	scissors	قیچی
glass	عینک	ball point pen	خودکار
cane	نی - قلم خوشنویسی	fountain pen	خود نویس

بقیه بخش : the same

اگر بعد از ترکیب the same کلمه as به کار رود ترکیب the same as به معنی (مثل - شبیه - مانند) است و مترادف با like است مثلاً :

Your shoes are **the same as** mine.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر بین ترکیب **the same** و کلمه **as** یک اسم فاصله شود بدین صورت می شود.

the same + اسم + as

از این ترکیب میتوان مثل صفت برابر برای هماهنگی دو اسم استفاده کرد ولی باید دانست که چون بعد از **the**

same همیشه اسم وجود دارد و نمی توان صفت به کار برد ناگزیر صفت را باید تبدیل به اسم کرد مثال :

Hellen is **as old as** Susan.

Hellen is **the same age as** Susan.



در اینجا لازم می شود چند صفت و اسم مربوط به آنها را یاد بگیریم .

tall - big	بزرگ	size	اندازه
long	دراز	length	دراز
wide	پهن	width	پهن
deep	عمیق	depth	عمق
old	مسن - پیر	age	سن
high	مرتفع - بلند	height	ارتفاع



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قید adverb

قید حالت و چگونگی فعل را نشان می دهد با اضافه کردن ly به آخر دسته ای از صفات آنها را تبدیل به قید می کنند. مثلاً:

sincere	مخلص	sincerely	مخلصانه
quick	سریع	quickly	به سرعت
careful	دقیق	carefully	با دقت

اینگونه قیدها را قید حالت می گویند که جایشان در جمله بعد از فعل و در صورتیکه مفعول وجود داشته باشد بعد از مفعول است. مثلاً:

Hellen speak **slowly** .

Hellen apeaks English **slowly** .

اگر فعل جمله نشان دهنده حرکت باشد در چنان جمله ای قید حالت بعد از قید مکان به کار برده می شود. مثلاً:

He left the room **quickly** .

چند قید زیر ly نمی پذیرند و بدون ly به کار می روند.

Fast	Hard	Short	Long
Little	Much	Late	Early
Near	Far	Still	Just
Enough	Straight	Soon	Low



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



Take	a nap	چرت زدن
	a shower	دوش گرفتن
	a test-exam	امتحان داشتن
	a bath	حمام گرفتن
	a dictation	دیکته نوشتن
	a trip	سفر کردن
	a vehicle	سوار وسیله‌ای شدن



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- هلن مثل پدرش به مهربانی رفتار نمی کند .

Hellen doesn't behave the same kind as her father .

2- من توانستم تمرینها را به راحتی تو انجام بدهم.

3- آنها احتیاج به یک ماشین به خوبی مال تو دارند.

4- او سریعتر از منشی ما نامه ها را تایپ می کند.

He types the letters faster than my secretary.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

5- من هیچگاه دیرتر از والدینم بیدار نمی شوم.

I never get up later than my parents .

6- او نتوانست به روانی من در آن امتحان صحبت کند.

7- فکر نمی کنم آقای براون جدی تر از همکارش با تو صحبت کرده است.

8- این کوتاه ترین گیاهی است که در این منطقه می روید.

9- آنها در مرتفع ترین منطقه این کشور زندگی می کنند.

10- او صمیمانه تر از والدینش با دیگران رفتار می کند.

کلمات به شکل بالا با شکل واحدی به عنوان صفت نیز به کار می روند . طبعاً وقتی قبل از اسم باشد یا به

تنهایی بعد از فعل ربطی باشند صفت هستند مانند :

Hellen is a **fast** typist.

Hellen is **fast**.

اما اگر بعد از هر فعل دیگری غیر از افعال ربط به کار رود قید هستند مثلاً :

Hellen types **fast**.

قید

Hellen looks **fast**.

صفت فعل ربط

چند کلمه زیر **ly** دارند اما قید نیستند بلکه صفت هستند :

friendly	صمیمی	lovely	دوست داشتنی
deadly	مرگبار	kingly	شاهانه
likely	احتمالی	worldly	جهانی
motherly	مادرانه	fatherly	پدرانه
sily	احمقانه	ugly	زشت
sisterly	خواهرانه		

Hellen is a friendly girl.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تذکر: اگر لازم شود از کلمات بالا به صورت قید استفاده شود چون نمی توان به آنها ly اضافه کرد و مثلاً گفت friendlyLY ناگزیر برای تهیه کردن آنها از ترکیب زیر استفاده می شود.

In a/ an + { Fashion Way Manner } راه و روش

هلن صمیمانه صحبت می کند.

Hellen speaks in a friendly manner.

درجات مقایسه قید: قید نیز از نظر مقایسه دارای سه درجه برابر و برتر و برترین است بدین شرح:

1- قید برابر: دو فعل را مقایسه می کند و آنها را برابر معرفی می کند مثلاً هلن به کندی سوزان تایپ می کند.

ساختمان این درجه از قید بدین ترتیب است.

as	قید	as
not as/not so	قید	as

Hellen types as slowly as Susan.

Hellen doesn't type so/as slowly as Susan.

2- قید برتر: دو فعل را مقایسه می کند اما یکی را بهتر یا بدتر می شناسد مثلاً:

هلن کندتر از سوزان تایپ می کند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

بیاد داریم که در صفت برتر بحث یک بخشی و دو بخشی و چند بخشی داشتیم در حالیکه در قید برتر اینطور نیست. بلکه قاعده بر این است که اگر ly می پذیرد در این درجه more than به آن اضافه می شود و اگر ly نمی پذیرد به آخرش er اضافه می شود، بدین صورت:

Hellen drives **more slowly than** Susan.

Hellen drives **faster than** Susan.

3- قید برترین (عالی) : چند فعل را مقایسه می کند و از بین آنها یکی را به عنوان بهترین یا بدترین می شناسد. مثلاً هلن به کندترین وجه تایپ می کند.

برای ترجمه "ترین" نیز در این درجه از قید قاعده اینست که اگر قید ly می پذیرد قبلاً the most و اگر ly نمی پذیرد به آخرش the est اضافه می کنیم، بدین صورت :

Hellen types **the most slowly**.

Hellen types **the fastest**.

چون در ترجمه قید عالی به فارسی ذکر کلمه "ترین" کافی نیست ناگزیر برای ترجمه قید عالی انگلیسی به فارسی از ترکیب زیر استفاده می شود :

به ترین { وجه / صورت / شکل }



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار هستند : **intensifiers**

کلماتی که دلالت بر کمیت و مقدار زیاد می کنند عبارتند از **much, many** که هر دو به معنی زیاد - خیلی می باشند.

much + اسم مفرد غیر قابل شمارش

many + اسم جمع قابل شمارش

فرق این دو این است که بعد از **much** اسم مفرد به صورت غیر قابل شمارش است اما بعد از **many** اسم جمع به صورت قابل شمارش به کار می رود.

much و **many** معمولاً در جمله های سؤالی و جمله های منفی به کار می رود

Has Hellen written **many** letters?

Does Hellen drink **much** coffee?

Helen has not written **many** letters.

Hellen doesn't drink **much** coffee.

در جمله های مثبت معمولاً از **a lot of** استفاده می شود چه برای قابل شمارش و چه برای غیر قابل شمارش، بدین صورت :

Hellen has written **a lot of** letters.

Hellen drinks **a lot of** coffee.

اگر بخواهیم شدت قید یا صفت را نشان دهیم از **too** یا **very** استفاده می کنیم .

زیاد - خیلی { **Too** / **Very** + صفت / قید



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

فرق **too & very** : این است که **very** نشان دهنده حد متعادل قید یا صفت است مثلاً :

The park is **very beautiful**.

The teacher speaks **very fluently**.

اما **too** نشان دهنده مقدار نامطلوب قید یا صفت است :

It is **too cold** today.

That driver drives **too slowly**.

too, very می توانند برای تقویت معنی قبل از **much** و **many** به کار روند مثلاً:

There were **too many** cars in the street.

Hellen drinks **too much** water in a day.

She knows **very many** words.

Thank you **very much**.

کلمه **enough** به معنی اندازه کافی ، برعکس **too** ، **very** بعد از قید و صفت به کار می رود.

enough + صفت / قید

You are **rich enough** .

He speaks **fluently enough** .

البته **enough** می تواند با اسم نیز به کار رود که البته معمولاً قبل از اسم به کار می رود مثلاً :

They spend **enough money** in a month .

کلماتی که نشان دهنده کمیت و مقدار کم هستند عبارتند از :

کم و اندک	{	Little	مفرد - اسم غیر قابل شمارش
		Few	جمع - اسم قابل شمارش



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

few & little : نشان دهنده مقدار کمی هستند که آنقدر ناچیزند که به صفر و هیچ نزدیکترند.

I have **little** money in my pocket.

He knows **few** words.

اگر لازم شود از مقدار یا تعدادی که چشمگیرتر از **few** و **little** باشند نام ببریم قبل از آنها حرف تعریف (a)

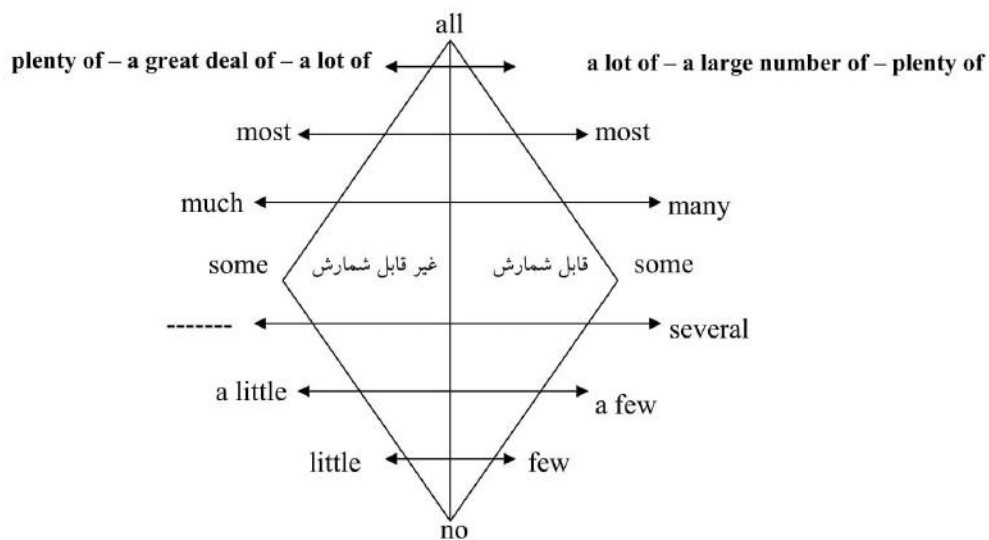
بکار می بریم.

یک کمی	{	a little	مفرد - اسم غیر قابل شمارش
		a few	جمع - اسم قابل شمارش

I drink **a little** coffee after dinner.

He has **a few** books in his book case.

در نمودار زیر کلماتی که نشان دهنده مقدار و تعداد هستند و قبل از اسم بکار می رود بکار رفته است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کلمات بالا مادام که قبل از اسم بکار می روند صفت هستند اما اگر برای جلوگیری از تکرار لازم شود اسم بعد از

آنها را حذف کنیم نقش ضمیر پیدا می کنند. مثلاً:

She Spends little money and I spend much.

صفت

ضمیر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Such

این کلمه به معنی چنین میتواند با اسمهای قابل شمارش جمع و همچنین غیرقابل شمارش مفرد بدین صورت:
توجه کنید که غیر قابل شمارش جمع مفهوم ندارد.

Helen hasn't said **such** words.

Helen doesn't like **such** weather.

اگر اسم قابل شمارش به صورت مفرد باشد از **Such a/an** استفاده می شود بدین صورت:

Such a child can't stay quiet.

اگر در جمله هائی که **Such** بکار می رود صفتی نیز قبل از اسم وجود داشته باشد الگوی جمله به شکل زیر است:

اسم + صفت + a/an + Such

I haven't seen **such an interesting film** so far.

میتوان به جای **Such** از کلمه **so** برای گرفتن همان معنی استفاده کرد اما الگوی جمله بدین صورت خواهد بود:

اسم + a/an + صفت + So

I haven't seen **so interesting a film** so far.

اگر قبل از اسمی یک صفت داشته باشیم که آن صفت را **Very** شدت بخشیده باشد جای حرف تعریف بدین صورت است.

اسم + صفت + Very + a



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- او گفت که هرگز چنین غذای خوشمزه ای نخورده است.
- 2- وقتی رسیدم آنجا، مسافره‌های زیادی توی سالن وجود داشتند.
- 3- این زیباترین پرنده ای است که در این منطقه زندگی می کند.
- 4- آنها قصد داشتند لغت‌های زیادی حفظ کنند اما نتوانستند.
- 5- فکر می کنم چای زیادی توی قوری نباشد.
- 6- چند تن از دوستانم می خواهند یک هدیه خیلی ارزشمند برای پدر علی ببرند.
- 7- او بهترین دکتر آن بیمارستان کوچک است.
- 8- آنها یک جاده خیلی طولانی را در یک هفته رکاب زدند.
- 9- او عصبانی ترین مردی است که من در میان اقوام سراغ دارم.
- 10- او عادت دارد صبحها کمی قهوه با صبحانه اش بنوشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

گسترش جمله با **too** و **enough**

در جمله هایی که **too** یا **enough** بکار می روند اگر جمله گسترش پیدا کند به یکی از صورتهای زیر در می آید.

1: اگر مورد بحث جمله شخص یا چیز واحدی باشد به یکی از صورتهای زیر گسترش می یابد.

مصدر با **to** + صفت/ قید + **too**

She is **too young to** work.

She drives **too slowly to** arrive on time.

مصدر با **enough + to** + صفت/ قید

1. She is rich enough to buy the house.

2. They work hard enough to earn a lot of money.

2: اگر مورد بحث جمله دوشخص یا دو چیز مختلف باشد گسترش جمله به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

مصدر با **to** + شخص **for** + صفت/ قید + **too**

1. The car is too expensive for me to buy.

2. You speak too fast for me to under stand.

مصدر با **to** + شخص **enough + for** + صفت/ قید

1. The book is easy enough for us to read.

2. You sigh beautifully enough for them to enjoy.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

«دیگر» «Other»

کلمه **other** به معنی دیگر فقط قبل از اسامی جمع نامعین بکار می رود مثلاً:

John has polished **other** shoes too.

اگر اسم به صورت مفرد و نامعین باشد قبل از آن **another** بکار می رود. مثلاً:

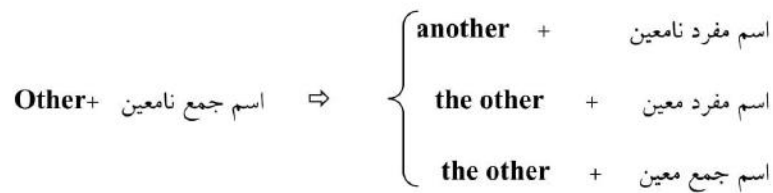
This child wants **another** toy.

اگر اسم به صورت معین (چه مفرد و چه جمع باشد) قبل از آن **the other** بکار می رود که اشاره به اسم دوم یا گروه دیگر دارد مثلاً:

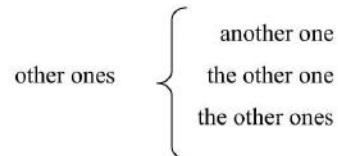
I don't like **this** hat. I like **the other** hat.

I don't like **these** shoes but I like **the other** shoes.

کلماتی که تاکنون مورد بحث قرار گرفت همگی صفت هستند و قبل از اسم بکار می روند.



حتی میتوان اسمهای بعد از صفات را به ضمیر **one** یا **ones** تبدیل کرد.



حتی میتوان اسمهای بعد از **another** و **the other** (مفرد) را حذف کرد و از خود آنها به عنوان ضمیر استفاده کرد.

I don't like **this** hat, I like **the other**. ~~hat~~.

This child wants **another** ~~hat~~.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما اگر اسمهای بعد از **other** و **the other** (جمع) را بخواهیم حذف کنیم نمیتوان از خود این کلمات به عنوان ضمیر استفاده کرد بلکه برای تبدیل آنها به ضمیر از حرف (S) استفاده می کنیم.

others → دیگران - بقیه

The others → (اون یکی ها) آن دیگران

I don't like these shoes. I Like the others.

John has polished others too.

در دو اصطلاح زیر **other** و **another** بکار رفته است که کاربرد مخصوصی دارند.

همدیگر - یکدیگر	{	each other	بین دوکس
		one another	بین بیش از دوکس

این دو اصطلاح وقتی بکار می رود که کاری به صورت متقابل از دو طرف صورت گرفته باشد.

مثلاً بجای اینکه گفته شود من احمد را می شناسم و احمد مرا می شناسد بهتر است گفته شود: احمد و من همدیگر را می شناسیم.

Ahmad and I know **each other**.

People must help **one another**.

اگر کاری به صورت متقابل انجام نیافته باشد بلکه از یک سو و یک جهت رخ داده باشد از کلمه **together** به معنی (با یکدیگر - با همدیگر) استفاده می شود و آنرا نباید با فعل **to gather** به معنی جمع آوری کردن اشتباه کرد.

Helen and jane study **together**.

در چند اصطلاح زیر کلمه **other** معنی «دیگر» نمیدهد.

every other days = on alternate days	یکروز در میان
the other day = some days ago	چند روز قبل
other wise = or else	والا- وگرنه
on the other hand = in other words	از طرف دیگر



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

other than = except

به جز

one after **another** = one by one



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آنها تقریباً هر روز همدیگر را توی جلسه می بینند.
- 2- من و دوستم یکروز در میان همدیگر را در کلاس ملاقات میکنیم.
- 3- وقتی رسیدیم آنجا والدینم داشتند با یکدیگر می رفتند خرید.
- 4- سه تا کتاب روی میز وجود داشت - یکی را برداشتم و آن دیگری را جا گذاشتم.
- 5- مقداری از محصل ها داشتند توی حیاط بازی می کردند، تعدادی هم داشتند درسهایشان را حفظ می کردند و آن بقیه داشتند کلاس را تزئین می کردند.
- 6- فکر می کنم او این شلوار را دوست نداشته باشد لطفاً آن دیگری را به او بدهید.
- 7- مردی که دارد در کلاس دیگر درس می دهد سابقاً معلم ما بود.
- 8- من منظورم این جمله ها نیست بلکه جمله های دیگر است.
- 9- آیا جان میتواند به سرعت آن راننده دیگری اتوبوس را براند.
- 10- ما سابقاً در آن اداره دیگری به عنوان خدمتکار کار می کردیم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- مردی که سابقاً اینجا زندگی می کرد الان در آن خانه دیگری است.
- 2- جمله ای که تو نوشتی به قشنگی آن دیگری نیست.
- 3- خانه ای که ما توی آن زندگی می کنیم به این قیمت نمی ارزد.
- 4- شیشه ای را که آن بچه شکسته بود مال اتاق پذیرایی ما بود.
- 5- من آدرسی را که تو نوشته بودی گم کردم.
- 6- مردی را که تو درباره آن صحبت می کنی پدرم می شناسد.
- 7- من به بچه هایی که آقای اسمیت درس می دهد گفتم که او امروز نخواهد آمد.
- 8- قلمی که تو خریده ای به گرانی مال من نیست.
- 9- مهمانها یکی پس از دیگری جشن را ترک کردند و از میزبان تشکر کردند.
- 10- آنهایی که دارند توی حیاط بازی می کنند شاگردهای آقای اسمیت هستند.
- 11- پیراهنی را که توی چمدان بود خیلی دوست دارم.
- 12- او کفشهایی را که من برایش خریده بودم هرگز نپوشید.
- 13- تویی که پول در جیبیت نداری نمیتوانی این کتاب گران را بخری.
- 14- پسری که داشت با آقای اسمیت صحبت می کرد سابقاً کارگر ما بود.
- 15- من اتاقی را که تو تمیز کردی قصد دارم دوباره تمیز کنم.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- آیا این بزرگترین ساختمان این منطقه نیست.

Isn't this the largest building in this area?

2- او زیباترین گل این باغچه را چیده بود.

He had picked the most beautiful flower from this garden.

3- هلن به اندازه خواهرش باهوش نیست.

Helen isn't so/as intelligent as her sister.

4- او قرار است گرانترین هدیه را برای پدرش ببرد.

He is supposed to take the most expensive present for his father.

5- آقای اسمیت سریعترین ماشین نویس این اداره است.

Mr. Smith is the fastest typist in this office.

6- خانه ما گرانتر از خانه ای است که تو خریده ای.

Our house is more expensive than the house that you have bought.

7- او در کوچکترین خانه این خیابان سابقاً زندگی می کرد.

He used to live in the smallest house in this street.

8- من توانستم درازترین جاده این کشور را در 24 ساعت رانندگی کنم.

I could drive the longest road in this country for 24 hours.

9- فکر می کنم کفشهای تو ارزانتر از مال من باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

I think, your shoes are cheaper than mine

10- این زیباترین هدیه ای است که من خریده ام.

This is the most interesting present that I have bought.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ضمایر موصولی Relative Pronouns

قبلاً گفتیم که صفت میتواند قبل از اسم به صورت کلمه بکار رود، و اگر بعد از اسم بکار رود باید بعد از فعلهای **Link** یا ربط قرار گیرد. صفت میتواند بعد از اسم، شکل جمله داشته باشد که چون چنان جمله ای حالت وصفی دارد به آن جمله وصفی گویند علامت جمله وصفی اینست که با «که» موصولی شروع می شود.

جمله وصفی + (که) موصولی + اسم

پس «که» موصولی جمله وصفی را به اسم قبل از خودش وصل می کند؛ به همین علت موصولی نام دارد. خاصیت دیگر «که» موصولی اینست که از تکرار اسم قبل از خودش در جمله وصفی به هر نحو ممکن جلوگیری می کند. اینکه گفتیم بهر نحو ممکن از این روست که در فارسی همه آنها یعنی «که» های موصولی (ک - ه) اما در انگلیسی نسبت به اسمی که قبلشان بکار می رود شکلهای متفاوت دارند بدین شرح.

1- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند **who** ترجمه می شود.

The man. The man works here.

...the man **who** works here.

2- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند **whom** ترجمه می شود.

The man I know the man.

...the man **whom** I know.

3- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در فاعل جمله وصفی جلوگیری کند **which** ترجمه می شود.

The bus The bus stops here everyday.

...the bus **which** stops here everyday.

4- «که» موصولی اگر از تکرار اسم غیرمشخص در مفعول جمله وصفی جلوگیری کند **which** ترجمه می شود.

The book I study the book.

...the book **which** I study.

5- «که» موصولی اگر از تکرار اسم مکان در جمله وصفی جلوگیری کند به **where** ترجمه می شود.

The house. they live in it.

the house **where** they live (**in**).

باید دانست که وقتی که از **where** استفاده می شود نیاز به حرف اضافه مکان نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

6- «که» موصولی اگر از تکرار اسم زمان در جملهٔ وصفی جلوگیری کند به **when** ترجمه می شود.

The year. I was born in the year.

The year **when** I was born.

7- «که» موصولی اگر از تکرار صفت ملکی در جمله جلوگیری کند ترجمه آن **whose** است.

The man his wife works with me.

...The man **whose** wife works with me.

...The dog **whose** name was Top یا the dog **the name of which** was top of.

البته اگر قبل **whose** اسم غیرمشخص وجود داشته باشد میتوان بجای **whose** از **of which** استفاده کرد

بدین ترتیب که اسم بعد از **whose** را به قبل از **whose** منتقل می کنیم و بجای **whose** از **of which** استفاده

می کنیم.

The room **whose** door...

The room **the door of which**...

8- اگر در جملهٔ وصفی عدد قبل از صفت ملکی وجود داشته باشد آن عدد به قبل از **whose** منتقل می شود.

9- در صورتی که قبل از **which** عبارت **The thing** وجود داشته باشد بجای ترکیب **The thing which** از **what** استفاده می کنیم. بدین صورت:

what استفاده می کنیم. بدین صورت:

The thing which you need is fresh air.

What you need is fresh air.

10- «که» موصولی اگر از تکرار اسم دلیل و علت در جملهٔ وصفی جلوگیری کند به **why** ترجمه می شود.

The reason. I study English for that reason.

The reason **why** I study English is that I want to go abroad.

تذکر مهم: باید دانست که وقتی جمله هایی که **The reason why** در آنها بکار رفته ادامه پیدا می کند از کلمهٔ

ربط **That** استفاده می شود نه **because**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

میتوان در قسمت اسم، قبل از «که» موصولی ضمیر بکار برد و با «که» موصولی (who)، همه ضمیرها بکار می

روند به غیر از They که به جای آن از Those استفاده می شود مثلاً:

I who work hard.	we who work hard
You who work hard.	you who work hard
It who works hard.	
She <u>who</u> works hard.	Those who work hard.
He who works hard.	

1. موارد جایگزینی ضمائر موصولی

از بین «که» های موصولی، 3 مورد who ، whom و which (فاعلی و مفعولی) قابل جایگزین شدن با that

هستند بدین صورت:

The man who works here is my uncle.
that

The man whom you saw yesterday wants you.
that

The house which is on the corner is mine.
that

The house which you bought is too expensive.
that

2. موارد حذف «که» های موصولی

از بین ضمائر موصولی حتی میتوان whom و which (مفعولی) را حذف کرد بدین صورت

The man ~~which~~ you saw yesterday wants you.

The house ~~which~~ you bought is too expensive.

3. جملات وصفی ضروری و غیرضروری

جمله های وصفی انگلیسی به دو دسته تقسیم می شوند.

1- جمله های وصفی ضروری (necessary) که به آنها (defining) هم می گویند.

جمله هایی هستند که وجودشان ضروری است تا اسم در جمله تعریف شود. مثلاً در جمله ای مثل:

a writer is a person.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

شنونده و خواننده منتظر است چیزی راجع به **Person** بفهمد زیرا مفهوم این جمله کامل نیست هر جمله وصفی که در این حالت بکار رود ضروری به حساب می آید مثلاً:

a writer is a person **who writes novel.**

2- جملات وصفی غیر ضروری (unnecessary) که به آنها **none defining** گویند.

جملاتی هستند که وجودشان صددرصد ضروری نیست بلکه فقط برای دادن اطلاعات اضافی در مورد اسم بکار می رود مثلاً در جمله ای مثل:

Hafez is a great poet.

چون مفهوم جمله کامل است هر وصفی که در مورد اسم حافظ بیان شود صددرصد ضروری نیست و به آن (unnecessary) گویند. مثلاً:

Hafez **who lives in Shiraz,** is a great poet.

علامت جملات وصفی (unnecessary) این است که قبل از کاما (,) به کار می روند و اسم قبلشان از اسامی خاص است.

نکته مهم: موارد جایگزینی و حذف در جمله های **none defining** بکار نمی روند ولی در جمله های **defining** صورت می گیرد.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- مردی که توی اتاق دیگری دارد درس می دهد سابقاً معلم ما بود.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- 2- آنهایی که زود بیدار می شوند همیشه موفق هستند.
- 3- منی که پول توی جیب ندارم نمیتوانم به این مرد فقیر کمک کنم.
- 4- ما یکی پس از دیگری صف را ترک کردیم زیرا نانوائی نان نداشت.
- 5- دلیل اینکه من به تو تلفن نزدم اینست که تلفن ما خراب بود.
- 6- خانه ای که آن طرف خیابان است، سابقاً متعلق به آقای براون بود.
- 7- من مردی را که تو داری دربارہ اش صحبت می کنی ندیدم.
- 8- فکر می کنم تو آن سیب را دوست نداری. بنابراین آن دیگری را بردار.
- 9- آنها هر روز در مؤسسه هستند بجز روزهای فرد.
- 10- خانه ای که آقای براون قرار است بخرد گرانتر از آن یکی دیگری است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جملات گذشته حدسی و گذشته غیر واقعی

قبل از بحث درباره این دو نوع جمله لازم است مروری بر فعلهای انگلیسی داشته باشیم که در جدول زیر نشان

داده شده اند.

to do	-	does-did
to have	-	has-had
to be	-	am-is-are-was-were
to need	-	-
can	توانستن	Could
may	ممکن بودن	Might
must	باید	-
shall	علائم آینده	Should
will	علائم آینده	Would
-	سابقاً	used to
-	باید	ought to
-	قرار بودن	to be supposed to
-	ترجیح داشتن	had better
-	-	would rather
-	باید	have to

از این فعلهای کمکی (can, may, shall, will, must) را که ریشه مصدری ندارند فعلهای کمکی مدال گویند (modal).

از فعلهای مدال کلماتی صادر می شوند که آنها را مشتقات گویند. که عبارتند از:

would-should-might-could حال می خواهیم فعلهای مدال و مشتقات آنها را با سه نوع مصدر ساده،

استمراری و کامل ترکیب کنیم تا ببینیم جمله حاصله چیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

1- با مصدر ساده: وقتی فعلهای مدال و مشتقات آنها را با مصدر ساده ترکیب کنیم جمله حاصله زمان حال و یا آینده است. (به شرط وجود قید زمان حال و آینده)

Bob **can** come now. → Bob **can** come tomorrow.

Bob **could** come now. → Bob **could** come tomorrow.

در یک صورت مشتقها، گذشته فعلهای مدال به حساب می آیند و آن اینست که در جمله یا قید زمان گذشته وجود داشته باشد و یا تطابق زمان به جمله تأثیر گذاشته باشد.

Bob could come yesterday.

I knew that Bob could come.

2- مصدر استمراری:

با مصدر استمراری وقتی **Should** را ترکیب کنیم جمله حاصله حال - غیرواقعی است. مثلاً:

Helen **should be resting**. (هلن باید خواب باشد ولی نیست)

حال غیرواقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است، مفهوم آن منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است، مفهوم آن مثبت است مثلاً:

Hellen **Shouldn't be resting**.

با مصدر استمراری وقتی **may** را ترکیب کنیم جمله حاصله حال حدسی است.

It **may be raining**. شاید دارد می بارد

حال حدسی از این نظر که از قرینه ها و شواهد حدس می زنیم که ممکن است کاری در حال انجام باشد.

3- مصدر کامل: با مصدر کامل وقتی **can , must , may** را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته حدسی است مثلاً:

Hellen **must have seen the film**. هلن باید فیلم را دیده باشد.

گذشته حدسی از این نظر که از شواهد و قرینه ها حدس می زنیم که ممکن است کاری در گذشته رخ داده باشد مثلاً ازاینکه هلن در مورد فیلم اطلاعاتی می دهد حدس می زنیم که باید فیلم را دیده باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اما با مصدر کامل وقتی **might-ought to-should-could-would** را ترکیب کنیم جمله حاصله گذشته غیرواقعی است.

could
should
would
might
ought to } + have P.P (گذشته غیرواقعی)

مثال:

I should have gone there. من باید می‌رفتم آنجا (که نرفتم).

گذشته غیرواقعی از این نظر که اگر ظاهر جمله مثبت است یعنی **not** ندارد مفهوم جمله منفی است مانند مثال بالا و اگر ظاهر جمله منفی است یعنی **not** داشته باشد مفهوم مثبت خواهد داشت بدین صورت:

I shouldn't have gone there. من نباید می‌رفتم آنجا (ولی رفتم).



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- پدرم دارد پیاده می آید. باید ماشینش را فروخته باشد.
- 2- آنها اینجا نیستند. باید توی کمد گذاشته باشمشان.
- 3- من کلید را باید خانه عمویم جا گذاشته باشم. چون توی جیبم نیست.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- 4- تو نباید جلوی دیگران به او توهین می کردی.
- 5- پدرم نباید می رفت پیش دکتر (چون چشمهایش ضعیف نیستند).
- 6- تو می تونستی در امتحانات نهائی قبول شوی نمیدونم چرا شرکت نکردی.
- 7- او امکان داشت با ماشین تصادف کند. باید دستش را می گرفتی.
- 8- من نباید در را قفل می کردم چون ممکن است پدرم زودتر از من بیاید.
- 9- آقای براون باید تا بحال استعفا داده باشد.
- 10- معلم نباید درس را شروع کرده باشد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

آینده کامل

این زمان دلالت بر انجام عملی می نماید که از یک زمانی شروع شده است و اما در آینده تمام و کامل می گردد. علامت این زمان در فارسی: کلمه تا در اول قید زمان آینده همراه با جملات حال کامل علامتی از این زمان در فارسی است.

تا + قید زمان آینده + حال کامل ← آینده کامل

مثال: تا سال آینده از دبیرستان فارغ التحصیل شده ایم.

I will have graduated from high school by next year.

مثال: رضا تا ساعت 5 برگشته خونه.

Reza will have returned home by five o'clock.

طرز ساخت: برای ساختن این زمان در انگلیسی از فرمول زیر استفاده می شود.

Subject + will have + Past Participle

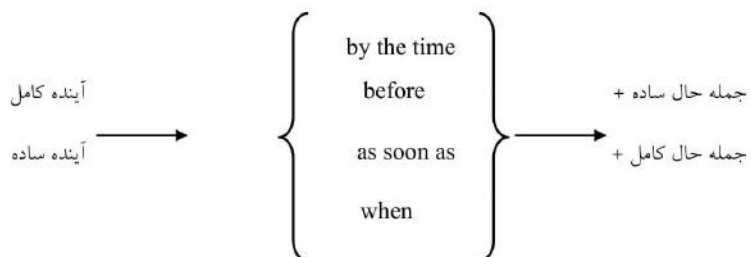
نشانه های این زمان:

1- تا + قید زمان آینده ← (By tomorrow) قید زمان آینده + By

2- تا + طول مدت زمان ← $\left. \begin{matrix} in \\ within \end{matrix} \right\} two\ weeks$

3- تا + جمله حال ساده ← آینده کامل

4- تا + جمله حال کامل ← آینده ساده



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Conditionals

جملات شرطی

یک جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود یکی قسمت شرط (if clause) و دیگری قسمت جواب یا نتیجه یا جزء (main clause) بدین صورت:

قسمت جزء شرط ، قسمت شرط + if

می توان قسمت جواب را ابتدا و بعد قسمت شرط را بیان کرد یا نوشت در آن صورت احتیاج به علامت کاما (و) وسط دو بند نیست.

قسمت شرط + if + قسمت جزء

جمله های شرطی انگلیسی به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم می شوند که در اینجا مورد بحث ما جملات شرطی غیرواقعی هستند.

شرطی های غیرواقعی سه نوع دارند. زیرا هر یک از آنها مربوط به یکی از زمانهای آینده - حال و یا گذشته هستند بدین شرح:

1- شرطی نوع اول: مربوط به زمان آینده است.

قسمت جزء	قسمت شرط
_____	_____
	if +
	حال ساده

If Helen **has** money, she **can buy** the car.

اگر هلن پولی داشته باشد. او میتواند ماشین رو بخرد.

چون در این نوع شرطی امکان انجام کار وجود دارد به آن (Possible) گویند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

2- شرطی نوع دوم: مربوط به زمان حال است.

if +	قسمت شرط	قسمت جزاء
	گذشته ساده	مصدر ساده + مشتقات

If Helen **had** money now, she **could buy** the car.

اگر هلن الان پول داشت می توانست ماشین را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده تصور انجام کاری را در زمان حال می کند که تحقق پیدا نمی کند به این نوع

شرطی (imaginary) گویند.

3- شرطی نوع سوم: مربوط به زمان گذشته است.

if +	قسمت شرط	قسمت جزاء
	have + P.P	have + P.P + مشتقات

If Hellen **had had** money, she **could have bought** the book yesterday.

اگر هلن دیروز پول داشت میتوانست کتاب را بخرد.

چون در این نوع شرطی گوینده، شرطی را مطرح می کند که در گذشته تحقق نیافته و گذشته را نمیتوان بازگرداند

به این نوع شرطی غیرممکن یا (impossible) یا گذشته غیرواقعی گویند.

تعیین نوع شرطی دوم و سوم

برای تعیین شرطی نوع دوم و سوم یا احتیاج به قید زمان است مثلاً:

1- اگر امروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **today**, I **would buy** this book.

2- اگر دیروز پول داشتم این کتاب را می خریدم.

If I **had** money **yesterday**, I **would have bought** this car.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

اگر قید زمان در جمله شرطی بکار نرفته باشد برای تعیین نوع دوم و سوم احتیاج به جمله نشانه است بدین صورت که اگر جمله نشانه زمان حال باشد شرطی بعد از آن نوع دوم است مثلاً:

she doesn't try if she tried , she **would succeed**.

و اگر جمله نشانه، گذشته باشد شرطی بعد از آن نوع سوم است مثلاً:

She didn't try, if she had tried , she **would have succeeded**.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

« والا » Otherwise

این کلمه به معنی والا در جمله های شرطی بجای قسمت **if clause** بکار می رود. مثلاً به جای اینکه گفته شود:
آنها مرا دعوت نکردند؛ اگر دعوت می کردند می رفتیم.

They didn't invite me, If they had invited me, I would have gone.

میتوان جمله بالا را به این صورت بیان کرد که:

آنها مرا دعوت نکردند و الا می رفتیم.

They didn't invite me; other wise, I would have gone.

طبیعی است که اگر جمله نشانه زمان گذشته باشد، جزای بعد از **otherwise** مربوط به شرطی نوع سوم است
مانند مثال بالا.

اگر جمله نشانه زمان حال باشد جزای بعد از آن مربوط به شرطی نوع دوم می باشد بدین صورت:

They don't invite me, other wise, I would go.

اگر جمله نشانه فعل امر یا زمان آینده باشد جزای بعد از **otherwise** مربوط به شرطی نوع اول است مثلاً:

Don't smoke, otherwise, you will get used to it.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

« Wish » کاشکی - ای کاش

اگر بعد از wish مصدر با to بکار رود wish معنی میل داشتن و خواستن است.

I **wish to see them.** می خواهم آنها را ببینم.

I **want to see them.** می خواهم آنها را ببینم.

اما اگر بعد از wish جمله بکار رود در آن صورت wish مفهوم آرزو پیدا می کند و به معنی کاش - کاشکی است و چون فاعل آرزوی کاری را می کند که تحقق آن با انجام آن حتمی و یقینی نیست wish در این حالت جزء غیرواقعی ها بحساب می آید بدین صورت که:

1- اگر آرزو برای زمان آینده باشد جمله بعد از wish با would بیان می شود. مثلاً:

I wish they would call me tomorrow.

2- اگر آرزو برای زمان حال باشد، فعل جمله بعد، بعد از wish در زمان گذشته ساده خواهد بود.

I wish They called me now. ای کاش آنها الان به من تلفن می زدند.

3- اگر آرزو برای زمان گذشته باشد فعل جمله بعد از wish با گذشته کامل بیان می شود مثلاً:

I wish They had called me yesterday.

یادآوری مهم: اگر قید زمان در جمله وجود نداشته باشد. برای تعیین شکل فعل جمله بعد از wish احتیاج به جمله نشانه است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

کلمات معادل **if**

میتوان در سه نوع شرطی ذکر شده قبل به جای **if** از یکی از عبارات زیر استفاده کرد.

به شرطی که $\left\{ \begin{array}{l} on\ condition \\ Provided \\ Providing \end{array} \right.$ به فرض اینکه $\left\{ \begin{array}{l} Suppose \\ Supposing \end{array} \right.$

I will sign the contract **provided** you give me some money.

یکی از عبارات فوق نیز میتوانند در شرطی نوع دوم بجای کلمه **if** بکار می رود.

Suppose it rained now , I would stay home.

وقتش است که « **It is time** »

این عبارت وقتی بکار می رود که فاعلی موقع انجام کاری را برای خود یا کس دیگری ترجیح دهد و قاعده آن اینست که اگر گوینده جمله، ترجیح انجام کاری را برای خودش می دهد بعد از این عبارت مصدر با **to** بکار می برند. بدین صورت:

it's time + to مصدر یا

it's time **to finish** the job. وقتشه کار را تمام کنم

اما اگر گوینده جمله وقت انجام کاری را برای کسی دیگر ترجیح می دهد بعد از این ترکیب ابتدا فاعل مورد نظر و فعل را به صورت گذشته ساده می آوریم. بدین صورت:

it is time + فاعل + گذشته

it's time you **finished** the job. وقتشه که کار را تمام کنی



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حذف IF

در جملات فارسی در صورتیکه در قسمت شرط (if clause) فعل کمکی وجود داشته باشد میتوان کلمه if را حذف کرد که قاعده آن در سه نوع شرطی ها بدین صورت است.

1) در شرطی نوع اول: در صورتی که **Should** بکار رود معنی احتمالاً می دهد. مثلاً:

If I **should** see him, I will tell him.

که میتوان در این حالت **Should** را به قبل از فاعل منتقل کرد و **if** را حذف کرد بدین صورت:

Should I see him, I will tell him.

2) در شرطی نوع دوم: در صورتی که فعل بودن یعنی **were** بکار رفته باشد برای حذف **if** میتوان از آن استفاده کرد.

If you **were** here, I would talk to you.

Were you here, I would talk to you.

3) در شرطی نوع سوم: همیشه فعل کمکی **had** وجود دارد که برای حذف **if** میتوان از آن استفاده کرد بدین صورت:

if I **had** gone there, I would have seen him.

Had I gone there, I would have seen him.

نکته: **Should** به معنی «احتمالاً» در شرطی نوع دوم نیز میتواند بکار رود و بنابراین برای حذف **if** مورد استفاده قرار گیرد.

If I **should** see him now, I would tell him.

Should I see him now, I would tell him.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Unless

این کلمه میتواند در جمله های شرطی در قسمت شرط (if clause) جای if و not بکار رود.

مثلاً بجای اینکه گفته شود، تو موفق نمی شوی اگر کوشش نکنی

You won't succeed **if** you **don't** try.

میتوان جمله شرطی به صورت زیر نیز بیان کرد.

موفق نمی شوی مگر اینکه کوشش کنی.

You won't succeed **unless** you try.

البته unless مثل if میتواند وسط دو جمله یا ابتدای جمله اول قرار گیرد.

Unless you try, you won't succeed.

تذکر:

If not = unless

If = unless not

مثال:

Unless you **don't** try, you **will** succeed = **Unless** you try, you **won't** succeed.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Would rather

قبلاً فعل Prefer را به معنی ترجیح دادن یاد گرفتیم و میدانیم که یک فعل اصلی است معادل این فعل در انگلیسی

would rather است که یک فعل کمکی است و در نتیجه کاربردهای متفاوتی با prefer دارد بدین شرح:

1) بعد از Prefer مصدر یا to و اما بعد از would rather مصدر برهنه است.

I prefer to stay there.

مصدر با **Prefer + to** + فاعل

I would rather stay there.

مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

2) اگر فاعل کاری را به کار دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کنیم.

I prefer to go rather than to stay.

مصدر با **rather than + to** + مصدر یا **Prefer + to** + فاعل

I would rather go than stay.

مصدر برهنه + **than** + مصدر برهنه + **would rather** + فاعل

در این حالت (2) اگر اسمی به اسم دیگری ترجیح داده شود طبیعتاً با would rather ممکن نیست بلکه با

prefer ممکن است.

I prefer walking to staying.

I prefer apple to banana.

اسم مصدر/ اسم + **to** + اسم مصدر/ اسم + **prefer** + فاعل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

3) اگر فاعلی ترجیح کاری را در گذشته نشان دهد با Prefer و would rather به صورت های زیر بیان می شود.

I Preferred to go.

مصدر با **Prefer + to** + فاعل

I would rather have gone.

فاعلی + **would rather + have P.P**

4) اگر فاعلی کاری را برای کس دیگری ترجیح دهد با Prefer و would rather به صورتهای زیر بیان می کند.

I prefer him to go.

مصدر با **to + مفعول + prefer + فاعل**

I would rather him went.

گذشته ساده + فاعلی + **would rather** + فاعل



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

as if – as though

این دو اصطلاح هر دو به معنی «مثل اینکه - گویی» وقتی بکار می رود که فاعلی مطمئن نباشد که کاری واقعیت دارد بلکه گمان کند یا بپندارد که کاری حقیقت دارد مثلاً:
او طوری رفتار می کند که گویی همسرش را دوست ندارد.

He behaves **as if** he didn't like his wife.

چون جملات بعد از **as if** و **as though** غیرواقعی هستند قانون آنها بدین صورت است که اگر کاری برای زمان حال پنداشته می شود بعد از **as if** و **as though** زمان گذشته ساده بکار رود.

She speaks **as if** she knew the problem.

طوری حرف می زند که انگار مسئله را می داند.
اگر کاری برای زمان گذشته پنداشته شود بعد از **as if** و **as though** گذشته کامل بکار می رود.

He walked **as if** he had had a broken leg.

او طوری راه می رفت که انگار پایش شکسته است.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

« in Case » (مبادا نكنه)

اين اصطلاح وقتي بكار مي رود كه فاعلي كاري را انجام دهد. از ترس اينكه كار ناگوار ديگري صورت گيرد. مثلاً:

من يك چتر با خودم برمي دارم. مبادا باران ببارد.

I take an umbrella with me **in case** it rains.

In case: در جملات انگليسي مختلفي بكار مي رود.

حال ساده + {incase} + حال ساده/حال استمراري/حال كامل آينده/امر

Helen has left the door open, **in case** Her mother comes earlier.

گذشته ساده + {incase} + گذشته ساده/گذشته استمراري/گذشته كامل

She was running fast **in case** she missed the class.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

Both

این کلمه به معنی هر دو میتواند در جمله های انگلیسی هم قبل از اسم بکار برود و هم بعد از اسم.

1) اگر قبل از اسم بکار رود به یکی از صورتهای زیر خواهد بود.

$\left. \begin{array}{l} \textit{both of the} \\ \textit{both the} \\ \textit{both} \end{array} \right\} \text{ فعل + اسم}$

both of + ضمیر + فعل

Both students study hard.

Both of us study hard.

2) اگر بعد از اسم بکار رود در یکی از حالت های زیر خواهد بود.

فعل + both + اسم	The students both study hard.
فعل both + فعل کمکی + اسم	The students can both study hard.
اسم + to be + both	The students are both studying hard.

- both بعد از فعل کمکی و قبل از فعل اصلی می آید.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

حالت معلوم و مجهول : active & passive voice

کلمه Voice را تا حالا به معنی صدا شناخته ایم اما در معلوم و مجهول به معنی حالت است active یعنی فعال و passive یعنی گذرا .

جمله های مجهول به این علت passive نامیده می شوند که از سر فاعل می گذریم و در واقع مفعول را مطرح می کنیم .

جمله های معلوم را به این علت active می گویند که فاعل در آنها مطرح و فعال است.

حال ببینیم فاعل (Subject) چه انواعی دارد .

1- فاعل می تواند کننده کار باشد که به آن doer گویند .

مثال :

Hellen studies the book . . هلن کتاب را می خواند .

2- فاعل می تواند کسی یا چیزی باشد که کار بر او واقع شده باشد که چنین فاعلی در انگلیسی Subject

Sufferer نام دارد مثلاً:

Hellen is seen by them.

3- فاعل می تواند هیچ یک از انواع بالا نباشد یعنی نه کاری را انجام داده باشد و نه کاری بر او واقع شده باشد که

چنین فاعلی را neither doer not sufferer گویند . مثال :

Hellen is a student.

در جمله های مجهول Subject از نوع sufferer است و در جمله های معلوم Subject از دو نوع دیگر

است .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly

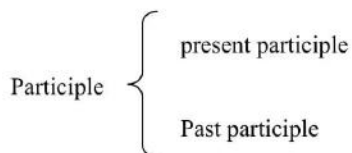


caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

قبلاً یاد گرفتیم که صفت مخصوص اسم است . حال باید دانست که صفت فعل نیز وجود دارد که به آن **participle** صفت فاعل و یا صفت فاعلی و یا صفت مفعولی گویند .



صفت فاعلی: با اضافه کردن **ing** به آخر فعل حاصل می شود . مثال :

زندگی کردن	live → living = alive	زنده
دویدن	run → running	دوان

همه افعال صفت فاعلی دارند زیرا هر فعلی ناگزیر سوژه یا فاعلی دارد .

صفت مفعولی: در فعلهای با قاعده با اضافه کردن **ed** حاصل می شود و در فعلهای بی قاعده شکل خاص دارد .

مثال :

شستن	wash → washed	شسته شده
افتادن	fall → fallen	افتاده

همه فعلها صفت مفعولی ندارند بلکه فقط فعلهای متعدی صفت مفعولی دارند زیرا فعلهای لازم که مفعول نمی

پذیرند نمی توانند صفت فاعلی داشته باشند .

البته گاهی اوقات در جمله بعد از یک فعل لازم ممکن است به یک مفعول برخورد کنیم . مثلاً :

I go with him .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

در چنین حالتی باید دانست که **go** فعل لازم است و مفعول نمی پذیرد و **him** مفعول **go** نیست بلکه بخاطر حرف اضافه **with** شکل مفعولی گرفته .

مصدر مجهول

تا کنون مصدرهای مختلفی را یاد گرفتیم مثل مصدر ساده - استمراری - کامل نوع دیگری از مصدر وجود دارد که مصدر مجهول است و ساختمان آن بدین شکل است :

To be + p.p

در جمله های مجهول فعل **to be** و **p.p** فعل حضور دارند .

طریقه تبدیل یک جمله معلوم به مجهول

گاهی جمله ای مطرح می شود و خواسته می شود تا آنرا به مجهول تبدیل کنیم . برای مجهول کردن یک جمله مثل :

He tells her.

باید مراحل زیر را طی کرد :

الف) ابتدا باید دید که آیا فعل جمله معلوم، متعدی است یا لازم زیرا اگر فعل لازم باشد قابل تبدیل به مجهول نیست .

ب) مفعول جمله معلوم را به ابتدای جمله مجهول منتقل کرده به صورت Subject sufferer در می آوریم

He tells her.

She-----.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

ج) فاعل جمله معلوم را به انتهای جمله مجهول منتقل کرده بعد از **by** بکار می بریم در صورتیکه ضمیر باشد به شکل مفعولی خواهد بود .

He tells her.

She ----- **by him**.

د) فعل اصلی جمله معلوم را به صورت **P . P** در جمله مجهول بکار می بریم به صورت

He **tells** her.

She ----- **told** by him.

ه) فعل **to be** را متناسب با زمان جمله معلوم قبل از **P . P** در جمله مجهول بکار می بریم .

He **tells** her.

She **is told** by him.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- این ظرفها باید تا ساعت 5 روی قفسه چیده شود .
- 2- او می تواند فوراً در این اداره استخدام شود .
- 3- باید به مدیر قبلاً اطلاع داده می شد .
- 4- آن ماشین باید تا حالا فروخته شده باشد .
- 5- فکر می کنم که آن خانه بوسیله بمب ویران شده باشد .
- 6- آقای براون پارسال از آن اداره اخراج شد .
- 7- دستگیره این در بوسیله آن بچه شکسته شده است .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- 8- این کفشها پارسال دوخته شده اند .
- 9- این اتاق هم باید امروز رنگ شود .
- 10- بچه ها هر روز توسط آن زن به مدرسه برده می شوند .



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- 1- آن خبر دیشب از رادیو پخش شد .
- 2- آیا آن بیمار توسط آن پزشک جراحی شده است .
- 3- آمریکا در سال 1694 کشف شد .
- 4- فکر می کنم این ساختمان دو سال پیش ساخته شده است .
- 5- به من گفته شد که تو نخواهی آمد .
- 6- بچه ها از میان آتش به بیرون از ساختمان برده شده بودند .
- 7- آن نامه بوسیله مستخدم دیروز بعد از ظهر پست شد .
- 8- آن خانه به قیمت 80 میلیون تومان فروخته شده است .
- 9- کارتها بوسیله آقای براون منقش خواهد شد .



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

زمان هایی که قابل تبدیل به مجهول هستند

1- زمان حال ساده:

Helen **tells** Bob → Bob **is told** by Helen.

2- زمان گذشته ساده:

Helene **told** Bob → Bob **was told** by Helen.

3- زمان آینده ساده:

Helen **will tell** Bob → Bob **will be told** by Helen.

4- زمان حال استمراری:

Helen **is telling** Bob → Bob **is being told** by Helen.

5- زمان گذشته استمراری:

Helen **was telling** Bob → Bob **was being told** by Helen.

6- زمان حال کامل:

Helen **has told** Bob → Bob **has been told** by Helen.

7- زمان آینده کامل:

Helen **will have told** Bob → Bob **will have been told** by Helen.

8- زمان گذشته کامل:

Helen **had told** Bob → Bob **had been told** by Helen.

از بین 16 زمان انگلیسی 4 زمان آینده استمراری، حال کامل استمراری، آینده کامل استمراری و گذشته کامل

استمراری قابل استفاده در حالت مجهول نیستند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

تبدیل یک جمله سئوالی معلوم به سئوالی مجهول

Did Hellen **study** the book ?

برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل

به صورت مجهول : ابتدا جمله را به مجهول خبری تبدیل می کنیم که می شود

The book **was studied** by Hellen .

سپس جمله حاصل را به صورت سئوالی تبدیل می کنیم .

Was the book **studied** by Hellen?

تبدیل یک جمله سئوالی معلوم که با کلمه پرسشی شروع شده باشد به مجهول

Where did Hellen take the book ? : برای تبدیل به جمله سئوالی معلوم مثل :

مجهول ابتدا جمله را صرف نظر از کلمه پرسشی تبدیل به سئالی مجهول می کنیم.

Was the book taken by Helen.

سپس کلمه پرسشی را هر چه باشد البته به غیر از (whom,who) به ابتدای جمله مجهول منتقل می کنیم.

Where was the book taken by Helen?

البته who و whom در جملات مجهول شکل مخصوصی پیدا می کنند بدین صورت :

1- اگر جمله معلومی داشته باشیم که با کلمه پرسشی whom سئالی شده باشد و بخواهیم آن را مجهول

کنیم طبق مراحل ابجد آن را مجهول می کنیم با توجه به این نکته که چون whom در جمله معلوم

مفعول را پرسیده در جمله مجهول شکل فاعل یعنی who پیدا می کند.

مثل :

Whom did Helen **invite**?

Who was invited by Helen?

و اگر جمله ای داشته باشیم که با کلمه پرسشی who شروع شده باشد مثل:

Who saw Helen?



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

و بخواهیم آن را مجهول کنیم باز هم برابر مراحل ایجاد عمل می کنیم با این توجه که چون **by whom** در

آخر جمله معنی ندارد آنرا در ابتدای جمله مجهول به کار می بریم بدین صورت :

By whom was bob seen?



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- آیا تمام پول در بانک پس انداز شد.

2- آن پیغام باید دیروز فرستاده می شد.

3- ویزای پدرم دیروز توسط سفارتخانه تجدید شد.

4- این کت و شلوار به وسیله کدام خیاط دوخته شده است.

5- این اطاق باید به وسیله مادرم تمیز شده باشد.

6- آن کلمه همیشه به عنوان صفت استفاده می شود.

7- آیا از این باغ به عنوان خانه استفاده می شود.

8- آن فرشها کجا شسته شده بودند.

9- غذا به وسیله خانم براون پخته شده است.

10- چشمهایش چه ساعتی معاینه شدند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جای قیدها در جملات مجهول :

1- قید تکرار: از قبل می دانیم که قید تکرار در جمله های معلوم قبل از فعل اصلی جمله به کار می رود مثلاً :

Helen **often** visits John.

در جمله های مجهول نیز قید تکرار قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می رود.

John is **often** visited by Helen.

2- قید حالت : از قبل می دانیم که قید حالت در جمله معلوم بعد از مفعول به کار می رود. مثلاً :

Helen writes letters **carefully**.

در جمله های مجهول قید حالت قبل از فعل اصلی که به صورت p.p است به کار می رود بدین صورت :

The letters are **carefully** written by Helen.

2- **just**: از قبل می دانیم که **just** در کامل ها بعد از have یا had و قبل از p.p فعل اصلی به کار می

رود.

مثلاً :

Helen has **just** written the letter.

در جمله مجهول **just** قبل از p.p فعل **be** و در واقع قبل از اولین p.p به کار می رود.

مثلاً :

The letter has **just** been written by Helen.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را ابتدا ترجمه کنید و سپس آن جمله را مجهول کنید.

- 1- فکر می کنم که آن بچه این در را شکسته است.
- 2- آن لیوان شیر را همین الان برادر بزرگترم نوشید.
- 3- آیا پلیسها بالاخره آن جیب بر را دستگیر کردند؟
- 4- آنها ممکن است خانواده ما را هم دعوت کنند.
- 5- دکتر داشت چشمهای آن مریض را به دقت معاینه می کرد.
- 6- این پنجره را همین الان پدرم رنگ زده.
- 7- آن دو منشی نامه ها را آسانتر از این یکی تایپ می کنند.
- 8- آقای براون کارش را به طور کامل انجام نمی دهد.
- 9- آقای براون بچه هایش را خوب تربیت می کند.
- 10- دوستانم به فروشنده قبلاً گفته بودند.

مجهول کردن جملاتی که دارای دو مفعول هستند.

در بعضی از جملات فعل می تواند دارای دو مفعول باشد که یکی مستقیماً کار را تحویل می گیرد و دیگری مفعول

غیر مستقیم که مستقیماً کار را تحویل نمی گیرد بلکه به واسطه مفعول مستقیم جنبه مفعول پیدا می کند.

I write the **letter** to **him**.

قابل ذکر است که در چنین جملات معمولاً مفعول مشخص، غیر مستقیم است و مفعول غیر مشخص مستقیم است

. برای مجهول کردن چنین جمله هایی می توان دو نوع مجهول داشت زیرا دو مفعول وجود دارد.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

The letter is written to him by me.

He is written the letter by me.

مجهول کردن جمله هایی که فعل حسی و حرکتی دارند.

به یاد داریم که بعد از فعل های حسی و حرکتی ابتدا یک مفعول و بعد مصدر برهنه به کار می رفت .

I saw Helen play.

در جمله های مجهول چون مفعول از بین دو فعل بر می خیزد تا subject suffer شود بین دو فعل اصلی to مصدری لازم است.

Helen was seen to play.

همانطور که می بینیم فقط در جملات مجهول فعل حسی و حرکتی مصدر با to به کار می رود.

مجهول کردن فعل امر :

برای مجهول کردن فعل امر از ترکیب زیر استفاده می شود:

let + مفعول + be + p.p

Open the door → let the door be opened.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

جملات سببی یا وجه سببی :

جملات سببی به جمله هایی گفته می شود که در آنها فاعل سبب می شود تا فاعل دیگری کاری را انجام دهد مثلاً من وادار می کنم و یا امیدوارم برادرم کفشها یم را واکس بزند.

ساختمان جمله های سببی در انگلیسی بدین صورت است.

مفعول اصلی + فعل اصلی (برهنه) + فاعل اصلی + **have** + فاعل مسبب

I **have** my brother **polish** my shoes.

و اگر فعل **get** استفاده شود فعل جمله سببی مصدر با **to** خواهد بود مثلاً :

مفعول اصلی + فعل اصلی **to** + فاعل اصلی + **get** + فاعل مسبب

I **get** my brother **to** **polish** my shoes.



تمرین جملات فارسی :

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

1- بده یک پنجره آهنی برای این اتاق درست شود.

2- قصد دارم بدهم کارگرها این اتاق را دوباره بسازند.

3- او داده بود اتاقش را رنگ آبی بزنند.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

- 4- باید بدهم کفاش تخت کفشم را تعمیر کند.
- 5- او داده است یک در چوبی برای مغازه اش درست شود.
- 6- من می خواهم بدهم خانه ام تزئین شود.
- 7- من به اندازه کافی پول دارم که بدهم باغچه ام درست شود.
- 8- هلن می خواست بدهد یک در چوبی درست شود.
- 9- من قرار است آن مرد را وادار کنم که برفهای آن پشت بام را پارو کند.
- 10- تو باید بدهی مأمور فنی همه این چراغها را تعمیر کند.

مجهول جملات سببی

برای مجهول کردن جملات سببی از ترکیب زیر استفاده می شود.

p.p فعل اصلی + مفعول اصلی + have/get + فاعل سبب

I have my shoes polished.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly

نقل قول reported speech

نقل یعنی بیان کردن و قول یعنی سخن پس نقل قول یعنی بیان کردن سخن کس دیگر برای بیان کردن سخن یا گفته یک گوینده دو طریق وجود دارد یک طریقه مستقیم و یک طریقه غیر مستقیم.

1. نقل قول مستقیم (direct speech)

اگر حرفهای گوینده ای را بدون دخل و تصرف برای کس دیگری مستقیماً نقل کنیم آن را به روش مستقیم نقل می‌کنیم در این حالت جمله گوینده می‌تواند یکی از چهار نوع جمله زیر باشد.

- | | |
|-------------------------------------|---------------------|
| Helen says, "I live in Tehran". | 1- جمله خبری مثل : |
| Helen says, "where do you live?" | 2- جمله سؤالی مثل : |
| Helen says, "open the window". | 3- جمله امری است : |
| Helen says, "what a nice car it is" | 4- جمله تعجبی است : |

می‌توان فعل گزارش‌گر و فاعل آنرا در انتهای نقل قول مستقیم به کار برد به این صورت :

"I live in Tehran," Helen says.

"Where do you live?" Helen says.

"Open the window," Helen says.

"What a nice car it is!" Helen says.

حتی میتوان در این حالت فعل را بر فاعل مقدم کرد البته به شرط اینکه فاعل ضمیر باشد نه اسم مثلاً :

"I live in Tehran," Says she.



@caffeinebookly



caffeinebookly



@caffeinebookly



caffeinebookly



t.me/caffeinebookly